

# لیبرالیسم در ایران شوخی است

مناظره دو چهره اقتصادی و سیاسی بر سر رابطه دولت - بازار

موسی غنی‌نژاد: ما در ایران اقتصاد دستوری و سرمایه‌داری رفاقتی داریم چیزی که نداریم اقتصاد بازار است

گروه اقتصادی

روز گذشته مناظره‌ای بر سر «لیبرالیسم اقتصادی» بین موسی غنی‌نژاد اقتصاددان و علی‌علیزاده تحلیلگر سیاسی در برنامه «شیوه» شبکه 4 سیما برگزار شد. این مناظره با موضوع «مکتب اقتصادی ایران و ارتباط آن با لیبرالیسم» آغاز شد. در چند صد سال اخیر موضوع رابطه «بازار و دولت» همواره مورد نقد و بررسی اندیشمندان در فضای اقتصادی قرار گرفته است. در این میان گروهی مدافع سرسخت دخالت دولت در اقتصاد و گروهی مخالف آن هستند. غنی‌نژاد در جرگه افرادی است که سرآغاز رشد و پیشرفت را آزادی دادن به انسان میدانند و دخالت‌های دولت را ارمغانی جز فقر و فلاکت نمی‌دانند. او می‌گوید: «لیبرالیسم یعنی دولت سر به سر مردم نگذارد. به همه دستور ندهد. لیبرالیسم یعنی حکومت قانون. در این مملکت قانون کجاست؟ حتی فرهنگ ما هم دستوری است.»

در مقابل علیزاده از دخالت‌های دولت در اقتصاد دفاع می‌کند و معتقد است «این دخالت‌ها به منظور ایجاد برابری در جامعه لازم است.» علیزاده با بیان اینکه تمامی دولت‌های در حال توسعه از صنعت‌های نوپای خود حمایت کرده‌اند تاکید می‌کند، «نمی‌توان از رقابت بین نوزاد و یک فرد بالغ حرف زد.» در مقابل غنی‌نژاد با رد این مقایسه وضعیت صنعت خودروی ایران پس از ۵۰ سال حمایت را شاهی از بی‌نتیجه بودن سیاست‌های حمایتی می‌داند که هزینه آن را مردم می‌پردازند.

غنی‌نژاد اعتقاد دارد «چنانچه آزادی نباشد ما همچنان در اقتصاد و سیاست با مشکل مواجه خواهیم بود.»  
در مقابل علیزاده با اشاره به دستاوردهای نظامی از نقش دولت در توسعه اقتصاد دفاع می‌کند. در این مقال بخشی از این مناظره منتشر شد.

### لیبرالیسم ثروت و رفاه می‌آورد؟

در شروع این مناظره موسی غنی‌نژاد با اشاره به سوءتفاهم‌ها درباره لیبرالیسم می‌گوید: از ابتدای انقلاب این مفهوم به عنوان ناسزایی به کار برده شد و بسیاری از آن دوری می‌کردند. به همین دلیل من در دهه 70 با هدف آغاز گفت‌وگو درباره مفهوم لیبرالیسم خود را لیبرال نامیدم که معادل ایرانی «طرفداری از آزادیخواهی» است.

غنی‌نژاد در ادامه سخنان خود با تأکید بر اینکه لیبرالیسم به معنای بی‌بند و باری نیست، می‌گوید مفهوم آزادی و سرریز آن در زندگی هر فرد به معنای ثروت و رفاه بیشتر است. علی‌علیزاده تحلیل‌گر سیاسی در بخش اول سخنان خود با اشاره به مبانی طرح‌شده از سوی غنی‌نژاد می‌گوید: چارچوب مورد نظر آقای غنی‌نژاد پیشا کانتی و پیشاهنگلی است که جامعه و تاریخ را در نظر نمی‌گیرد.

او فرد مورد نظر غنی‌نژاد را فرد اتمیزه توصیف کرد که منسوخ شده است. علیزاده معتقد است: لیبرالیسم در واکنش به الهیات نبوده است بلکه این عقیده در واکنش به دسترسی منابعی بود که در ایران به نام انفال شناخته می‌شود.

### ریشه فساد به دهه 60 باز می‌گردد

غنی‌نژاد در دور دوم صحبت‌های خود گفت افاضات فلسفی آقای علیزاده بسیار جالب بود و اشتباه داشت. ادمون برک لیبرال نیست، محافظه‌کار است و این دو خیلی تفاوت دارند.

ما در ایران می‌خواهیم همه‌چیز را خودمان بسازیم. ما می‌خواهیم فرهنگ، اقتصاد و ... را مهندسی کنیم. در سال ۶۸ با ده سال اقتصاد دستوری که کشور را به خاک سیاه نشاند، هاشمی‌رفسنجانی را مجبور به اصلاحات کرد.

غنی‌نژاد در ادامه صحبت‌های خود ادامه داد که کدام دوره طلایی؟ (اشاره به ده سال اول انقلاب که برخی آن را دوره طلایی اقتصاد ایران می‌دانند). آقای علیزاده نوجوان بود و یادش نمی‌آید، در سوپرمارکت‌ها کنسرو پیدا نمی‌شد و در آن دوره ۵۰ درصد کسری بودجه داشتیم.

او تأکید می‌کند ریشه فساد در اقتصاد ایران دقیقاً در همان دهه ۶۰

به علت اقتصاد دستوري و دولتي شکل گرفت. من در سال ۱۳۷۱ در مجله ایران فردا که متعلق به آقای صحابي که از روشنفکران چپ بود نوشتم مقدمه اصلاحات اقتصادي آزادسازي است نه خصوصي سازي.

غني نژاد ادامه مي دهد: در زمان اصلاحات هاشمي اينقدر از چپ و راست جنجال به پا شد که هاشمي در دوره دوم مجبور به عقب نشيني شد و اصلاحات اصلي توسط خاتمي و چپهايي که حالا اصلاح طلب شده بودند، رخ داد.

او مي افزايد: وقتي شما در جامعه اي هستيد که با دستور اداره ميشود، هيچ کاري با مفهوم مدرن نمي توانيد انجام بدهيد. ما در کشور، اقتصاد دستوري و سرمايه داري رفاقتي و... داريم چيزي که نداريم اقتصاد بازار است. در ضمن ليبراليسم امريکا و انگليس با ليبراليسم کلاسيک قرن ۱۹ تفاوت دارد.

### ليبراليسم جامعه را اتميزه مي کند

عليزاده در ادامه صحبت هاي خود و در جواب غني نژاد ادامه مي دهد که تلاش من در نشان دادن تناقضات صحبت هاي آقای غني نژاد در بيان ليبراليسم است. دو نوع ليبراليسم وجود دارد آن نوعي که آقای دکتر معتقدند اگر اکثريت جامعه بخواهد که دولت يك کارخانه را مصادره کند همين آقای غني نژاد مخالفت مي کند. همفکران شما در امريکا اوباما را به خاطر برنامه Obama care کمونيست خطاب مي کنند و بايدن را هم همين طور. در جهان آقای غني نژاد بهداشت و آموزش بايد پولي باشد و اگر کسي ندارد برود بميرد. آقای دکتر در دهه هفتاد به خصوصي سازي تاکيد داشت عده اي اما معتقد بودند بايد مشروط و با شفافيت باشد. عليزاده در بخش ديگري از صحبت هايش مي گويد: تفکر شما جامعه را اتميزه کرد، ليبراليسمي که مي گويد سهم من، حق من، نفع من و توسعه ملي را در دهه هفتاد زمين زد.

### ليبراليسم در ايران شوخي است

غني نژاد در واکنش به اظهارات مي گويد: آقای عليزاده تمام مشکلات ايران را به ليبراليسم، نئوليبراليسم، بانک جهاني و غرب نسبت داده است. در اقتصادي که همه بازارهايش دستوري است، چطور چنين ادعائي مي کنيد؟ در اين مملکت کدام بازار کار مي کند؟ دولت تمام بازارها را به هم ريخته است.

او مي افزايد: ليبراليسم در ايران شوخي است. چطور مي گوييد ليبراليسم ايران را بدبخت کرده؟ ما بخش خصوصي نداريم و خصولتي داريم. من طرفدار خصوصي سازي بودم. اما بعدا فهميدم خصوصي سازي در ايران همه اش بازي است و دولت پشت آن است. اسم آن را هم واگذاري

گذاشته‌اند. واگذاری به کی؟ به عمه، خاله و دایی؟ غنی‌نژاد می‌گوید: جزو معدود بازارها و صنایعی که دولت در آن دست نبرد صنعت شکلات‌سازی بود و این از معدود صنایع موفق ایران هم هست. لیبرالیسم یعنی دولت سر به سر مردم نگذارد. به همه دستور ندهد. لیبرالیسم یعنی حکومت قانون. در این مملکت قانون کجاست؟ حتی فرهنگ ما هم دستوری است. او می‌افزاید: من می‌گویم مشکل ما این است که همه چیز دست دولت است و دولت ناکارآمد است. وظیفه دولت برقراری حکومت قانون است. کجا در مملکت ما قانون اجرا می‌شود؟ دولت وظیفه خودش را انجام نمی‌دهد و کارهای دیگری می‌کند. او ادامه می‌دهد، آقای علیزاده سخنان بامزه‌ای می‌گویند. می‌فرمایند کره‌جنوبی و غربی‌ها هم از خودروسازی‌شان حمایت کردند. صنعت اتومبیل ما که ۵۰ سال است از آن حمایت می‌کنند پدر مصرف‌کننده را درآورده و تا می‌گوییم بالای چشمت ابرو است، می‌گویند اشتغال و... چه می‌شود. این اجحاف در حق ملت است.

غنی‌نژاد خطاب به علیزاده می‌گوید: من ایران را قبول ندارم که با تمام مرارت‌ها در ایران زندگی می‌کنم یا شمایی که رفتید انگلستان؟ مردم به سخنان شما می‌خندند.

مردم نیاز به آزادی دارند. آزادی در اقتصاد، آزادی در سیاست، آزادی در فرهنگ. ما ۵۰ سال حمایت کردیم، قرار است تا ۱۰۰ سال دیگر هم حمایت کنیم؟

او می‌افزاید: زبان ایدئولوژیک یعنی به شب می‌گویید روز و هیچ ابایی ندارید. آقای علیزاده از ابتدا تا حالا واقعیت‌های جامعه ما را آنطور که دوست داشتند بیان کردند نه آنطوری که واقعاً هست. اسم آزادی مانند جن و بسم‌الله است. وقتی از آزادی صحبت می‌شود، می‌گویند بحث سیاسی شد، از اقتصاد حرف بزنید.

علیزاده در جواب به غنی‌نژاد می‌گوید: شما مسوول وضعیت موجود هستید. شما مسعود نیلی و امثالهم.

غنی‌نژاد در واکنش به این اظهارات می‌گوید: من در این مملکت با هیچ دولتی کار نکرده‌ام و حتی از من مشاوره گرفته نشده بعد شما می‌فرمایید من مسوول وضع موجود هستم؟!!

**آنهايي که به کانادا رفتند رانت‌خوار بودند**

در ادامه این مناظره غنی‌نژاد می‌گوید: اقتصاد دستوری چطور می‌تواند لیبرال باشد؟ علیزاده در پاسخ می‌گوید: بازار مسکن ایران مثال نقض صحبت‌های آقای غنی‌نژاد است. ۵۱ درصد در تهران بدون خانه‌اند. یکی از اثرات نئولیبرالیسم مقررات‌زدایی است.

## غني‌نژاد پاسخ مي‌دهد كجا چنين چيزي آمده؟

عليزاده مي‌گويد: سلب مالکيت شده است، دولت در دهه ۶۰ وظيفه تامين مسکن داشت. شما سلب مسووليت کرديد از آن. قصه‌هاي شما سه دهه است ذهن سياستمداران ايران را مسموم کرده است.

غني‌نژاد در واکنش به او مي‌گويد: آنهائي که به کانادا رفتند سرمايه‌دار نبودند، رانت‌خوار بودند. آن کسي که به کانادا رفت مدير دولتي بود که شش ماه قبل از او تقدير شده بود. شما يك بخش خصوصي معرفي کنيد که دزدي کرده باشد. همه اين مديران دولتي بودند. عليزاده هم مي‌گويد: قبل از انقلاب وابسته بوديم؛ اما در ۵۸ متولد شديم. هشدار داده بودند که خصوصيسازي تبديل به رفاقتيسازي خواهد شد اما گفتيد که اين کار فضيلت در خود دارد. غني‌نژاد در واکنش او مي‌گويد: حرفه‌ائي که ميزنيد غلط و دروغ است و ربطي به موضوع ندارد. مايل هستيد جلسه ديگري راجع به کودتاي ۲۸ مرداد حرف بزنيم. بحث راجع به ليبراليسم است. اقتصاد دستوري ما چطور توانسته ليبرال باشد اين معجزه را به ما نشان بدهيد. در بخش ديگري از اين مناظره عليزاده مي‌گويد: انگليس اسلحه گذاشت رو سر ما که اقتصاد آزاد را اجرا کنيد. اما خود انگليس در گذشته دخالت و حمايت مي‌کرد. اگر خصوصيسازي را بد ميدانستيد بگويد تعطيل کنند. غني‌نژاد در پاسخ او مي‌گويد: سرمقاله‌اي نوشتم دو سال قبل با عنوان اينکه خصوصيسازي را متوقف کنيد.

منبع: روزنامه اعتماد 1 خرداد 1402 خورشیدی